

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Legal and Criminal Sanctions for Failure to Fulfill Custody Obligations in the Iranian Legal System

Horiyeh Sadat Zaeifoosadat<sup>1\*</sup>, Masoud Naderi Anari<sup>1</sup>

1. Department of Law, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran

\* Corresponding Author's Email: h.zaeifoosadat@iau.ir

### ABSTRACT

Custody is one of the most important protective institutions in family law and plays a fundamental role in safeguarding the physical, psychological, moral, and educational well-being of children. Under Iranian law, pursuant to Article 1168 of the Civil Code, custody is recognized as both a right and a duty of the parents. Accordingly, parents not only possess the right to care for and raise their children but are also legally obligated to perform this responsibility in accordance with the best interests of the child. Failure to fulfill custodial obligations, abuse of custodial rights, neglect of the child, or obstruction of the enforcement of judicial orders may result in the application of both civil and criminal sanctions. This study employs a descriptive-analytical method and relies on the provisions of the Civil Code, the Family Protection Act, the Civil Liability Act, and the Islamic Penal Code to examine the sanctions associated with the non-performance of custodial duties within the Iranian legal system. The findings indicate that, from a civil law perspective, the legislator has provided remedies such as compelling the performance of custody obligations, revoking custody in cases of incompetence or moral corruption, appointing a supervisor, transferring custody to a qualified person, and compensating for damages resulting from the custodian's negligence. From a criminal law perspective, conduct such as refusal to comply with custody orders, obstruction of a child's visitation rights, failure to return a child, non-payment of maintenance, and child abandonment may, depending on the circumstances, lead to penalties including imprisonment or monetary fines. Nevertheless, the fragmentation of legal provisions, ambiguity regarding the precise scope of custodial duties, and difficulties in determining the child's best interests remain among the principal challenges in this area. Therefore, strengthening protective and preventive approaches and enhancing the coherence of legal regulations are essential for the effective protection of children's rights.

**Keywords:** Custody, Best Interests of the Child, Civil Sanctions, Criminal Sanctions, Children's Rights.

How to cite: Zaeifoosadat, H. S. & Naderi Anari, M. (2027). Legal and Criminal Sanctions for Failure to Fulfill Custody Obligations in the Iranian Legal System. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(5), 1-26.



تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۵ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

# ضمانت اجرای حقوقی و کیفری عدم انجام تکالیف حضانتی در نظام حقوقی ایران

حوریه سادات ضعیف السادات<sup>۱\*</sup>، مسعود نادری اناری<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: h.zaeifoosadat@iau.ir

### چکیده

حضانت از مهم‌ترین نهادهای حمایتی حقوق خانواده است که نقش اساسی در تأمین سلامت جسمی، روانی، اخلاقی و تربیتی کودک دارد. در حقوق ایران، حضانت مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، هم حق و هم تکلیف ابویین شناخته شده است؛ بنابراین والدین نه تنها از حق نگهداری و تربیت فرزند برخوردارند، بلکه مکلف‌اند این وظیفه را در چارچوب مصلحت طفل انجام دهند. امتناع از انجام تکالیف حضانتی، سوءاستفاده از حق حضانت، عدم مواظبت از کودک یا ممانعت از اجرای حکم دادگاه، می‌تواند موجب اعمال ضمانت اجرای حقوقی و کیفری شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مقررات قانون مدنی، قانون حمایت خانواده، قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی، به بررسی ضمانت اجرای عدم انجام تکالیف حضانتی در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قانونگذار در بعد حقوقی، راهکارهایی مانند الزام به انجام حضانت، سلب حضانت در صورت عدم صلاحیت یا انحطاط اخلاقی، تعیین ناظر، واگذاری حضانت به شخص صالح و جبران خسارات ناشی از تقصیر دارنده حضانت را پیش‌بینی کرده است. در بعد کیفری نیز، رفتارهایی مانند استنکاف از اجرای حکم حضانت، ممانعت از ملاقات طفل، امتناع از استرداد کودک، ترک انفاق و رها کردن طفل، حسب مورد با مجازات‌هایی نظیر حبس یا جزای نقدی مواجه می‌شود. با وجود این، پراکندگی مقررات، ابهام در حدود دقیق تکالیف حضانتی و دشواری تشخیص مصلحت طفل از چالش‌های اصلی این حوزه است. از این رو، تقویت رویکرد حمایتی و پیشگیری و هماهنگی بیشتر مقررات، برای تأمین مؤثر حقوق کودک ضروری است.

**کلیدواژگان:** حضانت، مصلحت طفل، ضمانت اجرای حقوقی، ضمانت اجرای کیفری، حقوق کودک.

نحوه استناددهی: ضعیف السادات، حوریه سادات، و نادری اناری، مسعود. (۱۴۰۶). ضمانت اجرای حقوقی و کیفری عدم انجام تکالیف حضانتی در نظام حقوقی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*. ۵(۵)، ۱-۲۶.

مواجه شود. به همین دلیل، قانونگذار در مقررات مختلف، از جمله مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی، مواد ۴۰، ۴۱ و ۵۴ قانون حمایت خانواده، قانون مسئولیت مدنی و برخی مواد قانون مجازات اسلامی، راهکارهایی برای حمایت از طفل و الزام اشخاص مکلف به انجام وظایف حضانتی پیش‌بینی کرده است.

ضمانت اجراهای مربوط به حضانت را می‌توان از دو منظر حقوقی و کیفری بررسی کرد. از منظر حقوقی، دادگاه می‌تواند شخص مکلف به حضانت را به انجام وظیفه الزام کند، در صورت عدم امکان یا عدم تأثیر الزام، حضانت را به هزینه شخص مکلف تأمین نماید، ناظر تعیین کند، حضانت را به شخص دیگری واگذار کند یا در صورت وجود عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی، دارنده حضانت را از این حق محروم سازد. همچنین، در صورت ورود ضرر به طفل یا اشخاص ثالث به سبب تقصیر دارنده حضانت، مسئولیت مدنی وی قابل طرح خواهد بود. از منظر کیفری نیز، قانونگذار در مواردی مانند استتکاف از اجرای حکم حضانت، ممانعت از ملاقات، امتناع از استرداد طفل، رها کردن کودک، ترک اتفاق، ربودن یا مخفی کردن طفل تازه‌متولدشده و امتناع از تسلیم طفل به اشخاص ذی‌حق، ضمانت اجراهایی مانند حبس، بازداشت تا زمان اجرای حکم و جزای نقدی مقرر کرده است.

با وجود این، بررسی مقررات موجود نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در زمینه ضمانت اجرای عدم انجام تکالیف حضانتی، با ابهام‌ها و چالش‌هایی روبه‌روست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم ارائه تعریف صریح از حضانت در قوانین، ابهام در محدوده دقیق تکالیف حضانتی، اختلاف میان مفهوم حضانت، ولایت و قیمومت، دشواری تشخیص مصلحت طفل، تداخل ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری، و نبود معیار روشن برای تعیین موارد امتناع، اهمال یا عدم صلاحیت دارنده حضانت اشاره کرد. افزون بر این، در برخی موارد، ضمانت اجراهای قانونی بیشتر جنبه واکنشی دارند و پس از ورود آسیب یا بروز اختلاف اعمال

حضانت از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده است که به‌طور مستقیم با حمایت از کودک، تأمین سلامت جسمانی و روانی او و تضمین رشد اخلاقی و تربیتی وی ارتباط دارد. کودک، به دلیل ناتوانی طبیعی در اداره امور خویش و نیاز مستمر به مراقبت، تربیت و حمایت، همواره در کانون توجه نظام‌های حقوقی قرار داشته است. در نظام حقوقی ایران نیز حضانت به‌عنوان نهادی حمایتی و تربیتی مورد شناسایی قرار گرفته و قانونگذار کوشیده است با وضع مقررات مختلف، از یک سو حق والدین در نگهداری و تربیت فرزند را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر، آنان را نسبت به انجام تکالیف ناشی از این حق مسئول بداند.

قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۶۸، حضانت را هم حق و هم تکلیف ابوبین معرفی کرده است. این بیان نشان می‌دهد که حضانت، برخلاف برخی حقوق خصوصی، صرفاً امتیازی قابل اسقاط یا انتقال نیست، بلکه وظیفه‌ای قانونی و اخلاقی است که والدین نمی‌توانند بدون عذر موجه از انجام آن خودداری کنند. از این جهت، حضانت دارای ماهیتی دوگانه است؛ یعنی از یک سو والدین حق دارند اجرای آن را مطالبه کنند و از سوی دیگر، مکلف‌اند در حدود توانایی خود نسبت به نگهداری، تربیت، مراقبت و حمایت از طفل اقدام نمایند. همین ویژگی دوگانه، ضرورت پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر را در برابر امتناع، اهمال یا سوءاستفاده از حق حضانت آشکار می‌سازد.

اهمیت موضوع زمانی بیشتر نمایان می‌شود که والدین به دلیل اختلافات خانوادگی، جدایی، طلاق، فوت یکی از آنان، یا مشکلات اخلاقی و اجتماعی، از انجام تکالیف حضانتی خودداری کنند یا مانع اعمال حق حضانت و ملاقات از سوی شخص ذی‌حق شوند. در چنین وضعیتی، کودک بیش از هر شخص دیگری در معرض آسیب قرار می‌گیرد و ممکن است سلامت جسمانی، تربیت اخلاقی، آرامش روانی و حتی آینده اجتماعی او با خطر

می‌شوند، در حالی که ماهیت حمایتی حضانت اقتضا می‌کند که پیشگیری از آسیب به کودک نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

بر این اساس، مقاله حاضر با هدف تبیین ضمانت اجرای حقوقی و کیفری عدم انجام تکالیف حضانتی در نظام حقوقی ایران تدوین شده است. در این راستا، ابتدا مبانی مفهومی و حقوقی حضانت، قلمرو آن و تمایز آن از نهادهایی مانند ولایت و قیمومت بررسی می‌شود. سپس، رویکرد قانونگذار در خصوص حضانت، شروع و پایان آن، افراد دارای اولویت در اعمال حضانت و نقش مصلحت طفل مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، ضمانت اجرای حقوقی عدم پذیرش یا عدم انجام حضانت، از جمله الزام به انجام تکلیف، سلب حضانت، تعیین ناظر، مسئولیت مدنی و جبران خسارت بررسی خواهد شد. همچنین، ضمانت اجرای کیفری، از جمله مجازات امتناع از انجام تکالیف حضانتی، ممانعت از اجرای حکم دادگاه، امتناع از استرداد طفل، ترک انفاق و رها کردن کودک، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش آن است که در نظام حقوقی ایران، عدم انجام تکالیف حضانتی از سوی اشخاص مکلف با چه ضمانت اجرای حقوقی و کیفری مواجه است و این ضمانت اجراها تا چه اندازه می‌توانند در تأمین مصلحت طفل و حمایت مؤثر از حقوق او کارآمد باشند. پاسخ به این پرسش، افزون بر روشن ساختن جایگاه حضانت در حقوق ایران، می‌تواند به فهم بهتر نقش دادگاه خانواده، حدود مسئولیت والدین و شیوه‌های قانونی حمایت از کودکان در برابر امتناع، اهمال یا سوءاستفاده از حق حضانت کمک کند.

**مبحث اول: مبانی مفهومی و حقوقی حضانت در نظام حقوقی**

**ایران**

**گفتار اول: مفهوم، قلمرو و ماهیت حضانت**

«حضانت» واژه‌ای عربی و برگرفته از ماده «حَضَنَ» است و در لغت به معنای حفظ و نگهداری کردن، در آغوش گرفتن و پرورش دادن

به کار رفته است (Ibn Manzur, 1993). افزون بر این، معانی دیگری مانند «زیر بال گرفتن»، «در بر گرفتن»، «در دامن خود پروراندن» و «پرورش دادن» نیز برای آن ذکر شده است (Moein, 2002).

وجه تسمیه حضانت در زمینه پرورش و نگهداری طفل آن است که «الحِضْن» در لغت عربی به ناحیه زیر بغل تا پهلوی، یا سینه و فاصله میان دو بازو گفته می‌شود. از آنجا که مادر، طفل را میان بازوان و بر سینه خود، یعنی در آغوش خویش، قرار می‌دهد، گفته می‌شود که حضانت طفل را بر عهده گرفته است (Maalouf, 2005).

در اصطلاح حقوقی، حضانت عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط اشخاصی که قانون تعیین کرده است (Jafari Langroudi, 2018). بر این اساس، حضانت صرفاً به حفظ جسمانی کودک محدود نمی‌شود، بلکه تربیت اخلاقی و معنوی و نیز تأمین نیازهای متناسب با شئون طفل را در بر می‌گیرد.

حقوقدانان تعاریف گوناگونی از حضانت ارائه کرده‌اند. برخی حضانت را اقتداری دانسته‌اند که قانون، به منظور نگهداری و تربیت اطفال، به پدر و مادر اعطا کرده است (Katouzian, 2017). برخی دیگر، حضانت را نگهداری مادی و معنوی طفل از سوی اشخاصی می‌دانند که قانون مشخص کرده است و آن را شامل حفظ جسم و تربیت اخلاقی و معنوی طفل، متناسب با شئون او، تلقی می‌کنند (Jafari Langroudi, 2018).

در تعریف دیگری، حضانت به‌عنوان حق و تکلیفی معرفی شده است که پدر یا مادر نسبت به طفل خود دارند (Shayegan, 1960). البته این بیان، بیش از آنکه تعریف دقیق حضانت باشد، به ماهیت حقوقی آن اشاره دارد؛ زیرا حدود و قلمرو این حق و تکلیف را به‌روشنی مشخص نمی‌سازد.

در قوانین ایران، اعم از قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، تعریف صریحی از حضانت ارائه نشده است. با این حال، از

(Najafi, 1997). این برداشت فقهی با مفهوم لغوی حضانت و نیز برداشت حقوقی از آن هماهنگی دارد.

بنابراین، می‌توان گفت حضانت در حقوق ایران نهادی است که هم جنبه حمایتی دارد و هم جنبه تربیتی؛ به گونه‌ای که تأمین سلامت جسمی، مراقبت روزمره، تربیت اخلاقی و فراهم آوردن شرایط رشد متعادل طفل را شامل می‌شود.

### گفتار دوم: جایگاه ولایت و تمایز آن از حضانت

ولایت در لغت به معنای سرپرستی، سلطه و عهده‌داری امور دیگری است. این اصطلاح در فقه و حقوق اسلامی کاربرد گسترده‌ای دارد و در حوزه خانواده، ناظر به اختیار قانونی شخصی است که اداره امور محجور را بر عهده دارد. در نظام حقوقی ایران، پدر و جد پدری به حکم قانون، نسبت به فرزندان صغیر و سایر محجوران، دارای ولایت قهری هستند. به موجب ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.» بنابراین، ولی قهری در حقوق ایران منحصر به پدر و جد پدری است. ولایت قهری به معنای سلطه و اختیاری است که قانون، به طور مستقیم و بدون نیاز به حکم دادگاه، به پدر و جد پدری اعطا می‌کند. این ولایت از آن جهت «قهری» نامیده می‌شود که به محض تولد طفل و به حکم قانون ایجاد می‌گردد و نیازی به اراده یا تصمیم قضایی ندارد. از این رو، ولایت قهری را باید نوعی سمت و وظیفه قانونی دانست که قانونگذار، برای حمایت از محجور، بر عهده پدر و جد پدری قرار داده است (Mirzaei

Saqerloo & Khodabakhshi Koolaei, 2020).

با وجود این، میان حضانت و ولایت باید تفکیک قائل شد. هرچند این دو نهاد در ظاهر به یکدیگر نزدیک‌اند و هر دو در جهت حمایت از طفل عمل می‌کنند، اما از نظر ماهیت و قلمرو با یکدیگر تفاوت دارند. حضانت ناظر به نگهداری، مراقبت جسمانی و تربیت روحی و اخلاقی طفل است، در حالی که ولایت بیشتر به اداره امور مالی و حقوقی محجور مربوط می‌شود. به بیان دیگر، حضانت

مجموع مواد مربوط به حضانت می‌توان چنین استنباط کرد که حضانت عبارت است از نگهداری و تربیت طفل، به گونه‌ای که سلامت جسمانی و تربیت اخلاقی او، با توجه به نیازهای حال و آینده و همچنین وضعیت و موقعیت والدین، تأمین شود.

مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی که به موضوع حضانت اختصاص دارند، بیش از همه بر دو عنصر اساسی «نگهداری» و «تربیت» تأکید می‌کنند. بنابراین، حضانت را باید ناظر به سرپرستی جسمانی و تربیتی طفل دانست. برای مثال، پرداخت هزینه دارو در صورت بیماری کودک، از مصادیق نفقه محسوب می‌شود، اما دادن دارو به طفل و مراقبت از روند درمان او، در قلمرو حضانت قرار می‌گیرد. همچنین، خرید لباس برای کودک، از جهت پرداخت هزینه، نفقه به شمار می‌آید، اما پوشاندن لباس به طفل و مراقبت از وضعیت ظاهری او، از مصادیق حضانت است.

در تبیین هدف حضانت، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطابق این ماده، هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر قرار گیرد، دادگاه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل، قیم او یا رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. از این حکم چنین برمی‌آید که قانونگذار در نهاد حضانت، بیش از هر چیز به دو عنصر سلامت جسمانی و تربیت اخلاقی طفل توجه داشته است.

اگرچه مفاد قانون حمایت خانواده نیز به نیازهای حال و آینده طفل توجه دارد، اما این قانون نیز تعریف روشن و صریحی از حضانت ارائه نمی‌کند. از این جهت، برخی از حقوق‌دانان حضانت را چنین تعریف کرده‌اند: «اختیاراتی که قانون به والدین برای نگهداری و تربیت فرزندان داده است» (Emami, 2006).

در فقه شیعه نیز حضانت به معنای سرپرستی طفل خردسال و معجون و فراهم آوردن موجبات تربیت و رفاه او دانسته شده است

به جسم و تربیت کودک نظر دارد، اما ولایت به نمایندگی قانونی و اداره امور او مربوط است.

برای نمونه، اگر کودک بیمار شود، پرداخت هزینه درمان از مصادیق نفقه است، مراقبت از او و دادن دارو از مصادیق حضانت به شمار می‌آید، و تصمیم‌گیری‌های حقوقی یا مالی مرتبط با وی در قلمرو ولایت قرار می‌گیرد.

از دیگر تفاوت‌های مهم میان حضانت و ولایت آن است که ولایت قهری، حقی آمیخته با تکلیف است که اصولاً قابل اسقاط نیست و به حکم قانون بر عهده پدر و جد پدری قرار دارد؛ در حالی که حضانت، هرچند حق و تکلیف محسوب می‌شود، بیشتر ناظر به نگهداری عملی و روزمره طفل است. همچنین، در فقه و حقوق، برای ولی قهری حق مطالبه اجرت نسبت به اعمال ولایت شناسایی نشده است، اما در باب حضانت، بحث مطالبه اجرت حضانت در برخی فروض مطرح شده است (Mirzaei Saqerloo & Khodabakhshi Koolae, 2020).

اختیارات ولی قهری در حقوق ایران بسیار گسترده است و تنها محدودیت اساسی آن، رعایت مصلحت طفل است. ولی قهری اصولاً می‌تواند در امور مولی‌علیه تصمیم‌گیری کند و در بسیاری از موارد، نیازمند کسب اجازه قبلی از مقام قضایی نیست. افزون بر این، هر یک از پدر و جد پدری مستقلاً می‌توانند امور صغیر را اداره کنند و در صورت بروز تعارض میان تصمیم‌های آنان، در عرف حقوقی، تصرف پدر به‌عنوان ولی نزدیک‌تر، غالباً مقدم دانسته می‌شود (Bayat & Bayat, 2026).

### گفتار سوم: مفهوم قیمومت

قیمومت در لغت به معنای سرپرستی و عهده‌داری امور شخص دیگر است. در حقوق ایران، قیمومت نهادی حمایتی است که برای صیانت از حقوق محجوران پیش‌بینی شده و در راستای اداره امور حقوقی و مالی آنان به کار می‌رود. قیم، شخصی است که از سوی دادگاه برای سرپرستی محجور تعیین می‌شود و مسئولیت اداره امور

مالی و در برخی موارد، امور شخصی او را بر عهده می‌گیرد. بنابراین، منشأ قیمومت، حکم دادگاه است و از این جهت، با ولایت قهری که منشأ قانونی و مستقیم دارد، تفاوتی اساسی پیدا می‌کند (Safdari & Tajeddin, 2019).

در واقع، هرگاه طفل یا شخص محجور فاقد ولی قهری باشد، یا ولی قهری به هر دلیلی قادر به اداره امور او نباشد، دادگاه برای حفظ حقوق وی اقدام به تعیین قیم می‌کند. از این‌رو، قیمومت نهادی با ماهیت قضایی است و اعمال آن در چارچوب نظارت دادگاه صورت می‌گیرد. قیم ممکن است در مواردی یکی از والدین باشد؛ اما در چنین فرضی، سمت او نه به اعتبار رابطه طبیعی پدر یا مادری، بلکه به اعتبار حکم دادگاه ایجاد می‌شود. از این حیث، تفاوت مهمی میان ولایت و قیمومت وجود دارد؛ زیرا ولایت ریشه در حکم مستقیم قانون دارد، در حالی که قیمومت بر پایه تصمیم قضایی استوار است. همچنین، باید توجه داشت که ولایت قهری در صورتی پس از بلوغ پایان می‌یابد که حجر شخص، متصل به دوران صغر نباشد. اما اگر حجر پس از بلوغ نیز استمرار یابد و به دوران صغر متصل باشد، ولایت ولی قهری همچنان ادامه خواهد داشت.

### مبحث دوم: رویکرد قانونی در زمینه حضانت و ضمانت اجرای آن

ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت و نگهداری طفلی را که پدر و مادر او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، تا هفت‌سالگی بر عهده مادر و پس از آن بر عهده پدر دانسته است. با این حال، تبصره این ماده که در تاریخ ۸ آذر ۱۳۸۲ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده، مقرر می‌دارد: «بعد از هفت‌سالگی، در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد.»

بر این اساس، پس از رسیدن طفل به هفت‌سالگی، حضانت او به‌صورت مطلق و خودکار به پدر واگذار نمی‌شود؛ بلکه در صورت

نتیجه، والدین بتوانند درباره آن قرارداد خصوصی منعقد کنند. در مقابل، اگر حضانت تنها تکلیف به شمار آید، اولویت والدین در این زمینه نادیده گرفته می‌شود و این اولویت صرفاً در قالب یک حکم آمره تفسیر خواهد شد. از این رو، تحلیل درست آن است که حضانت نهادی دوچهره دانسته شود که هم عنصر حق و هم عنصر تکلیف در آن وجود دارد.

نتیجه چنین تحلیلی آن است که پدر و مادر می‌توانند اجرای حق حضانت خود را از دادگاه مطالبه کنند، اما در برابر انجام تکالیف ناشی از حضانت، اصولاً حق دریافت دستمزد ندارند؛ زیرا انجام حضانت، در اصل، وظیفه قانونی آنان به شمار می‌آید.

### گفتار دوم: شروع و پایان حضانت در حقوق ایران

در قوانین ایران، به‌ویژه قانون مدنی، زمان پایان حضانت به‌طور صریح و مستقل مشخص نشده است. با این حال، از آنجا که در مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ قانون مدنی از واژه «طفل» استفاده شده، می‌توان چنین استنباط کرد که حضانت اصولاً ناظر بر دوران کودکی و پیش از بلوغ است.

مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده است. بر این اساس، در تفسیر سنتی از مقررات قانون مدنی، حضانت تا پیش از بلوغ شرعی ادامه دارد؛ یعنی نسبت به دختر تا قبل از ۹ سالگی و نسبت به پسر تا قبل از ۱۵ سالگی قمری استمرار می‌یابد. بنابراین، پس از رسیدن کودک به سن بلوغ، از منظر این برداشت، عنوان حضانت به معنای خاص قانونی آن پایان می‌پذیرد (Amirkhani, 2021).

با این حال، پذیرش چنین تفسیری با دشواری‌ها و پیامدهای قابل توجهی همراه است. نخست آنکه اگر قلمرو حضانت صرفاً به سن بلوغ شرعی محدود شود، ممکن است این نتیجه حاصل گردد که والدین پس از بلوغ فرزند، دیگر تکلیف قانونی مشخصی در زمینه نگهداری، مراقبت و تربیت او ندارند؛ در حالی که چنین برداشتی

بروز اختلاف میان پدر و مادر درباره حضانت، معیار اصلی در تعیین شخص عهده‌دار حضانت، مصلحت طفل خواهد بود. بنابراین، ممکن است با وجود آنکه پدر فاقد عیب یا نقص آشکار باشد، دادگاه تشخیص دهد که مصلحت طفل اقتضا می‌کند حضانت او همچنان نزد مادر باقی بماند. در چنین فرضی، دادگاه می‌تواند بدون نیاز به اثبات علت دیگری، حضانت طفل را به مادر واگذار کند (Akbari & Akbari, 2020).

### گفتار اول: دیدگاه قانون مدنی ایران در زمینه حضانت

قانونگذار ایران در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت را هم حق و هم تکلیف ابوبین قرار داده است. از تکلیف بودن حضانت، نتایج مهمی به دست می‌آید که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بی‌اعتباری قرارداد مربوط به واگذاری یا اسقاط حضانت؛
  - عدم اعتبار توافق بر پرداخت وجه التزام در قبال انجام یا ترک حضانت؛
  - مسئولیت دارنده حضانت در برابر دیگران نسبت به اعمال طفل؛
  - امکان الزام شخص مکلف به حضانت در صورت استنکاف.
- این معنا در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی نیز مورد تصریح قرار گرفته است. به موجب این ماده، هیچ‌یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنان است، از نگهداری او امتناع کنند و در صورت امتناع، می‌توان آنان را الزام کرد (Katouzian, 2017).

البته در همه این موارد، مصلحت طفل باید رعایت شود. شناسایی حق حضانت برای پدر و مادر مانع آن است که دادگاه، جز در موارد مقرر در قانون، آنان را از این حق محروم سازد (ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی).

با توجه به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت ماهیتی دوگانه دارد؛ بدین معنا که هم حق محسوب می‌شود و هم تکلیف. اگر حضانت صرفاً حق تلقی شود، باید آن را قابل انتقال و اسقاط دانست و در

با واقعیت‌های اجتماعی، نیازهای تربیتی نوجوانان و کارکرد حمایتی خانواده سازگار نیست. دوم آنکه، بر پایه این برداشت، فرزند نیز پس از رسیدن به سن بلوغ، الزام قانونی روشنی برای تبعیت از والدین در امور شخصی و زندگی خانوادگی نخواهد داشت؛ امری که می‌تواند نظم خانواده و حمایت مؤثر از نوجوان را با چالش مواجه سازد.

از همین رو، بسیاری از حقوق‌دانان با تکیه بر روح حاکم بر قوانین، عرف مسلم جامعه و ضرورت‌های اجتماعی و تربیتی، کوشیده‌اند آثار و کارکردهای حضانت را تا زمان رشد گسترش دهند و از تفسیر صرفاً محدود، صوری و مبتنی بر سن بلوغ فاصله بگیرند (Safaei & Emami, 2009). در این دیدگاه، هرچند حضانت به معنای خاص ممکن است با بلوغ پایان یابد، اما تکالیف حمایتی والدین نسبت به فرزند، به‌ویژه در زمینه مراقبت، تربیت، تأمین نیازهای اساسی و هدایت اخلاقی و اجتماعی، همچنان تا رسیدن به رشد و استقلال نسبی ادامه می‌یابد.

از سوی دیگر، در فقه امامیه و نیز در برداشت سنتی از قانون مدنی، حضانت مادر نسبت به پسر تا دو سالگی و نسبت به دختر تا هفت‌سالگی دانسته شده و پس از آن، حضانت به پدر واگذار می‌شد. با این حال، اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی این وضعیت را تغییر داده و حضانت مادر را نسبت به هر دو فرزند، اعم از دختر و پسر، تا هفت‌سالگی به رسمیت شناخته است. پس از هفت‌سالگی نیز در صورت بروز اختلاف، تصمیم‌گیری درباره حضانت با رعایت مصلحت طفل بر عهده دادگاه قرار می‌گیرد. همچنین، در فقه آمده است که اگر مادر در مدت حضانت با شخص دیگری ازدواج کند، حق حضانت او ساقط می‌شود؛ هرچند در حقوق کنونی، این قاعده نیز باید در پرتو مصلحت طفل و شرایط خاص هر پرونده تفسیر شود.

بنابراین، هرچند قانون مدنی پایان حضانت را به‌صراحت بیان نکرده است، اما می‌توان گفت حضانت در معنای خاص، اصولاً تا

زمان بلوغ ادامه دارد؛ با این حال، تکالیف حمایتی، تربیتی و مراقبتی والدین نسبت به فرزند را نباید صرفاً به سن بلوغ محدود کرد. تفسیر مناسب‌تر آن است که مقررات حضانت با توجه به مصلحت طفل، عرف اجتماعی و ضرورت حمایت از نوجوان تا زمان رشد و توانایی واقعی او در اداره امور خویش مورد توجه قرار گیرد.

### گفتار سوم: افراد و ترتیب اولویت در اعمال حق حضانت در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۶۹ اصلاحی سال ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت‌سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.» بر پایه این حکم، در فرض جدایی والدین، مادر در نگهداری فرزند - اعم از دختر یا پسر - تا هفت‌سالگی بر پدر مقدم است و پس از آن، اصل بر انتقال حضانت به پدر خواهد بود؛ مگر آنکه مصلحت طفل اقتضای تصمیم دیگری داشته باشد.

بر این اساس، تا زمانی که پدر یا مادر زنده بوده و صلاحیت لازم برای نگهداری و تربیت فرزند را داشته باشند، حضانت اصولاً با آنان است و خویشان پدری یا مادری، در حالت عادی، حق تقدم یا ادعای مستقلی نسبت به حضانت طفل نخواهند داشت. با این حال، حق حضانت والدین مطلق و غیرقابل کنترل نیست؛ زیرا هرگاه سلامت جسمانی کودک یا تربیت اخلاقی او به سبب عدم مواظبت، بی‌مبالاتی یا رفتار نامناسب دارنده حضانت در معرض خطر قرار گیرد، دادگاه می‌تواند با توجه به مصلحت طفل، تصمیم مقتضی اتخاذ کند و در صورت لزوم، کودک را از محیط زیان‌بار خارج سازد (Katouzian, 2017).

پیش از اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، اولویت مادر در حضانت فرزند پسر تا دو سالگی و در حضانت فرزند دختر تا هفت‌سالگی پذیرفته شده بود و پس از سپری شدن این مدت، حضانت به پدر تعلق می‌گرفت. اما اصلاحیه سال ۱۳۸۲ این تفاوت میان دختر و

پسر را از میان برداشت و مقرر کرد که مادر نسبت به هر دو، تا سن هفت سالگی، در حضانت اولویت دارد (Katouzian, 2017). این اصلاح را می‌توان گامی در جهت توجه بیشتر به نیازهای عاطفی و تربیتی کودک در سال‌های نخست زندگی دانست.

با وجود این، نباید چنین پنداشت که دادگاه پس از جدایی والدین اختیار مطلق دارد تا طفل را بدون ضابطه به هر یک از آنان یا حتی به اشخاص دیگر بسپارد. اصل آن است که طفل نزد شخصی باقی بماند که بر اساس قانون، حق و تکلیف حضانت را بر عهده دارد و طرف مقابل نمی‌تواند بدون وجود جهت قانونی، تغییر وضعیت موجود را مطالبه کند. در عین حال، والدی که حضانت طفل را بر عهده ندارد، از حق ملاقات با فرزند برخوردار است؛ حتی که در ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی به صراحت مورد شناسایی قرار گرفته و ترتیب و زمان اجرای آن، در صورت اختلاف، با دادگاه خواهد بود.

در فرض فوت یکی از ابوين، ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی مقرر می‌کند که حضانت طفل با والدی خواهد بود که در قید حیات است؛ هرچند متوفی، پدر طفل بوده و برای او قیم تعیین کرده باشد. بنابراین، اگر پدر فوت کند، مادر در حضانت فرزند بر سایر اشخاص مقدم خواهد بود؛ حتی اگر ولایت قهری پس از فوت پدر به جد پدری منتقل شود. این حکم نشان می‌دهد که میان حضانت و ولایت تفاوت وجود دارد و انتقال ولایت به جد پدری، مانع از تقدم مادر در نگهداری و مراقبت از طفل نیست.

در همین راستا، ماده واحده «قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آن‌ها» مصوب ۱۳۶۴/۵/۶ نیز مقرر کرده است که حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان فوت کرده یا به شهادت رسیده‌اند، با مادران آنان خواهد بود؛ مگر آنکه دادگاه صالح، در پی ادعای عدم صلاحیت مادر، حکم به عدم صلاحیت وی صادر کند. همچنین، هزینه متعارف زندگی این

فرزندان، چنانچه از اموال خود آنان تأمین شود، در اختیار ولی شرعی قرار می‌گیرد؛ اما در مواردی که هزینه‌ها از بودجه عمومی یا از سوی بنیاد شهید پرداخت می‌شود، این وجوه در اختیار مادر قرار خواهد گرفت تا در جهت نگهداری و تأمین نیازهای فرزند مصرف شود.

اما در صورتی که هر دو والد فوت کرده باشند، حضانت طفل ابتدا به جد پدری و در صورت نبود او، به وصی منصوب از سوی پدر یا جد پدری واگذار می‌شود. چنانچه هیچ‌یک از این اشخاص وجود نداشته باشند، قیم منصوب از سوی دادگاه عهده‌دار امور طفل خواهد شد. در تعیین قیم نیز مطابق ماده ۱۲۳۲ قانون مدنی، خویشان طفل در صورت برخورداری از صلاحیت لازم، بر دیگران مقدم خواهند بود (Katouzian, 2017). بنابراین، در همه این فروض، معیار نهایی در تصمیم‌گیری درباره حضانت و سرپرستی عملی کودک، رعایت مصلحت و حمایت از منافع اوست.

#### مبحث سوم: ضمانت اجرای حقوقی و کیفری عدم پذیرش حضانت

قانونگذار کشور ما نگهداری کودکان را هم حق و هم تکلیف شرعی و قانونی برای والدین قرار داده است. باید گفت والدین حق ندارند کودک خود را رها سازند و یا او را مهمل گذارند و اگر طفل را در زمان حضانت رها کنند و از این راه آسیبی به او وارد شود، علاوه بر ارتکاب کار خلاف و غیرمشموع، یعنی حرمت تکلیفی، ضامن هرگونه خسارت ناشی از بی‌مبالاتی و تقصیر خود نیز خواهند بود (Javadi & Fathi, 2015).

ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد که ابوين مکلف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند.

#### گفتار اول: ضمانت اجرای حقوقی عدم پذیرش حضانت

قانونگذار در خصوص ضمانت اجرای تخلف پدر و مادر از تکالیف ناشی از حضانت، به‌ویژه در قانون مدنی، تصریح

گسترده‌ای نکرده است؛ با این حال، این سکوت هرگز به معنای فقدان مسئولیت یا مصونیت آنان نیست. به تعبیر دکتر کاتوزیان، علت این سکوت را باید در آن دانست که در روابط خانوادگی، محبت طبیعی پدر و مادر نسبت به فرزند، مهم‌ترین و مؤثرترین ضمانت اجرای انجام تکالیف اخلاقی و قانونی آنان به شمار می‌آید (Katouzian, 2017). با وجود این، هرگاه والدین عمداً از انجام مسئولیت‌های خود، از جمله حضانت یا انفاق، خودداری کنند، این امتناع می‌تواند برای آنان مسئولیت شرعی و قانونی به همراه داشته باشد و در مواردی حتی زمینه تعقیب و مجازات را فراهم سازد. بر این اساس، تقصیر در نگهداری کودک، از مبانی مهم مسئولیت سرپرست صغیر و مجنون محسوب می‌شود و پدر و مادری که حضانت طفل را بر عهده دارند نیز از این قاعده مستثنا نیستند. بنابراین، اگر والدین کودک خود را در کوچه، خیابان، صحرا یا بیابان رها کنند و در نتیجه این رفتار، آسیب جانی یا بدنی به او وارد شود، ضامن خسارات وارده خواهند بود و افزون بر مسئولیت مدنی، امکان تعقیب و مجازات آنان نیز وجود دارد. در چنین مواردی، حاکم شرع نیز می‌تواند آنان را تعزیر کند.

#### گفتار دوم: ضمانت اجرای تخطی از امر حضانت

یکی از مهم‌ترین مقررات مربوط به ضمانت اجرای امتناع از انجام حضانت، ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی است. مطابق این ماده، هیچ‌یک از والدین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنان است، از نگهداری او خودداری کنند. قانونگذار در این زمینه مقرر داشته است:

«هیچ‌یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌هاست، از نگهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی‌العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت طفل به عهده اوست، الزام کند و در صورتی که

الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند.»

بر اساس این حکم، اصل بر آن است که دادگاه ابتدا شخص ممتنع را به انجام تکلیف قانونی خود ملزم کند. در توضیح این ماده، صفایی و امامی بیان می‌کنند که هرگاه شخص مکلف به حضانت از انجام وظایف خود سر باز زند، قیم، اقربای طفل یا دادستان می‌توانند از دادگاه درخواست الزام وی را مطرح کنند. پس از صدور حکم و قطعیت آن، اجرائیه صادر می‌شود و اگر محکوم‌علیه همچنان از اجرای حکم امتناع کند، شخص دیگری برای نگهداری از طفل تعیین می‌شود و هزینه این نگهداری بر عهده پدر و در صورت فوت او، بر عهده مادر خواهد بود (Safaei & Emami, 2009).

نکته قابل توجه در ماده ۱۱۷۲ آن است که اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست، از انجام وظایف خود امتناع کند و الزام او نیز ممکن یا مؤثر نباشد، هزینه نگهداری طفل همچنان بر عهده پدر قرار می‌گیرد. این حکم از منظر برخی نویسندگان، از جمله مدنی کرمانی، با این ایراد مواجه است که ظاهراً با اصل کلی حقوقی مبنی بر اینکه هزینه انجام تکلیف باید بر عهده شخص مکلف باشد، هماهنگی کامل ندارد (Madani Kermani, 2015).

در حقوق ایران، تخطی از امر حضانت به‌عنوان مسئله‌ای مهم و حساس تلقی می‌شود؛ زیرا حضانت مستقیماً با مصلحت کودک و امنیت جسمی و روانی او ارتباط دارد. تصمیم‌گیری درباره حضانت بر عهده دادگاه است و دادگاه نیز این تصمیم را با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده و با محوریت مصلحت طفل اتخاذ می‌کند. با این حال، در عمل ممکن است یکی از والدین در صدد برآید که وضعیت حضانت را تغییر دهد یا از اجرای تکلیف مربوط به آن خودداری کند. این وضعیت ممکن است ناشی از عواملی

کند و شخص مذکور، با وجود توانایی و بدون داشتن عذر موجه، صرفاً به انگیزه لجبازی یا ایجاد فشار بر طرف مقابل، از انجام حضانت خودداری کند، مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده ۴۰ خواهد بود.

البته این حکم مطلق نیست. چنانچه شخص مسئول حضانت، برای خودداری از آن، دلایل قابل قبول و موجهی ارائه دهد و دادگاه نیز این دلایل را بپذیرد، همچنین شخص صالح دیگری برای نگهداری طفل وجود داشته باشد، ممکن است دادگاه به جای اعمال ضمانت اجرای کیفری، از راه حل های پیش بینی شده در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی استفاده کند. در این صورت، به جای بازداشت شخص، حضانت به نحو مناسب تأمین می شود و دادگاه با توجه به مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در این راستا، ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده نیز به دادگاه اختیار داده است که در صورت خودداری مسئول حضانت از انجام تکلیف یا بروز وضعیت های زیان بار برای طفل، تصمیمات لازم را اتخاذ کند؛ تصمیماتی از قبیل واگذاری حضانت به شخص دیگر یا تعیین ناظر بر نحوه نگهداری و تربیت کودک. بدین ترتیب، همانند ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، در این ماده نیز محور اصلی، حمایت از مصلحت طفل و جلوگیری از تضییع حقوق اوست (Mirzaei Saqerloo & Khodabakhshi Koolae, 2020).

**گفتار سوم: ضمانت اجرای مانع شدن از اعمال حق تربیت**  
قانونگذار در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در نهایت با حکمی که تصویب کرده، اختیار عامی را برای محکمه در نظر گرفته است تا با توجه به مصلحت طفل برای حضانت او تصمیم گیری کند. چه بسا محکمه در این باره حضانت طفل را به شخص ثالثی، همانند اقربای دیگر طفل مانند عمو، برادر و غیره و یا حتی به شخص ثالثی واگذار نماید که هیچ رابطه خانوادگی با طفل ندارد. در همه این موارد باید مصلحت طفل رعایت گردد. در این ماده آمده است:

مانند تغییر شرایط زندگی، جابه جایی محل سکونت، تحولات شغلی یا تغییر در وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین باشد. در چنین مواردی، چنانچه یکی از والدین بخواهد تغییری در وضعیت حضانت ایجاد کند یا از تصمیم پیشین دادگاه عدول نماید، باید با مراجعه به مرجع قضایی، درخواست خود را همراه با دلایل و مستندات مؤثر مطرح کند. دادگاه نیز با بررسی دقیق مدارک، استماع اظهارات طرفین و توجه به شرایط خاص کودک، تصمیم مناسب را اتخاذ خواهد کرد. در این مسیر، صرف ادعای وجود مشکلات شخصی یا تغییر اوضاع کافی نیست؛ بلکه لازم است ثابت شود که تصمیم مورد درخواست، با مصلحت طفل سازگار است و حقوق او را به خطر نمی اندازد (Ebrahimi & Jafarpour, 2021).

بنابراین، هرگونه اقدام در جهت تغییر وضعیت حضانت یا عدم اجرای آن، باید در چارچوب ضوابط قانونی و با رعایت مصلحت کودک صورت گیرد. دادگاه نیز موظف است در مواردی که این تغییر یا امتناع، آثار منفی بر رشد، تربیت یا امنیت کودک بر جای می گذارد، از اختیارات قانونی خود برای حمایت از طفل استفاده کند. در این میان، بهره گیری از نظر وکیل متخصص در دعاوی خانواده می تواند به والدین در شناخت مسیر قانونی، تنظیم صحیح درخواست ها و دفاع مؤثر از حقوق خود و فرزند کمک کند (Mirzaei Saqerloo & Khodabakhshi Koolae, 2020).

افزون بر ضمانت اجرای حقوقی مندرج در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، قانونگذار در ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده نیز برای استنکاف از اجرای حکم حضانت، ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرده است. به موجب این ماده، هرگاه کسی از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت خودداری کند، مانع اجرای آن شود یا از استرداد و بازگرداندن طفل امتناع ورزد، تا زمان اجرای حکم، بازداشت خواهد شد. از این رو، اگر دادگاه حضانت را به پدر یا مادر واگذار

گفتار چهارم: ضمانت اجرای ممانعت از حکم دادگاه در مورد

### حضانت طفل

مطابق ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده:

«هر کس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف ورزد یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب درخواست ذی نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین، تا زمان اجرای حکم بازداشت می شود.»

بر اساس این ماده، هرگاه دادگاه حضانت طفل را به پدر یا مادر واگذار کند و شخص محکوم علیه، با وجود توانایی بر انجام تکلیف و بدون داشتن عذر موجه، از اجرای حکم خودداری نماید یا مانع اجرای آن شود، ضمانت اجرای مقرر در ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده در مورد او اعمال خواهد شد. بنابراین، اگر امتناع شخص صرفاً ناشی از لجبازی، خصومت با طرف مقابل یا بی اعتنائی به حکم دادگاه باشد، دادگاه می تواند بنا به درخواست ذی نفع، دستور بازداشت وی را تا زمان اجرای حکم صادر کند.

با این حال، در صورتی که شخص مسئول حضانت برای خودداری از اجرای حکم، دلایل و مشکلاتی ارائه دهد که از نظر دادگاه موجه باشد، و از سوی دیگر شخص صالح دیگری برای نگهداری طفل وجود داشته باشد، دادگاه می تواند به جای اعمال ضمانت اجرای بازداشت، از راهکار مقرر در ماده ۱۱۷۲، قانون مدنی استفاده کند. در چنین حالتی، حضانت طفل به نحو مقتضی و با رعایت مصلحت او تأمین می شود و شخص ممتنع، در صورت احراز عذر موجه، بازداشت نخواهد شد (Mirzaei Saqerloo & Khodabakhshi Koolaee, 2020).

نکته قابل توجه آن است که تصمیم دادگاه در ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده، در قالب «دستور» صادر می شود، نه حکم ماهوی. از این رو، این دستور اصولاً قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی نیست؛ اما دادگاه صادرکننده می تواند در صورت تغییر شرایط یا احراز آمادگی شخص برای اجرای حکم، از دستور خود عدول

هرگاه بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

در واقع، مصلحت طفل ملاک مهم در این جریان می باشد. در این خصوص، ابتدا ابوبن طفل دارای حق و تکلیف برای حضانت او هستند، ولی اگر هیچ یک از ابوبن شرایط لازم را برای این امر نداشته باشند، دادگاه تصمیم مقتضی صادر می کند (Ebrahimi & Jafarpour, 2021).

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛
  ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا؛
  ۳. ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشکی قانونی؛
  ۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضداخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی گری و قاچاق؛
  ۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.
- موارد مصرح در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی حصری نیست. مواردی مانند غیبت های طولانی و فرار از مدرسه نیز از دید دادگاه از مصادیق عدم مواظبت والدین می باشد.
- مشخص است که کمال مطلوب در نظر قانونگذار کشور ما، مواظبت از طفل و عدم انحطاط اخلاقی او است. در صورتی که پدر یا مادر نتواند صحت جسمانی، روانی و اخلاقی کودک را تأمین کند، حضانت از او سلب می شود. در این صورت، اگر حق حضانت پدر ساقط شود، طبعاً حق مادر از قوه به فعل درمی آید و اگر حق حضانت مادر ساقط شود، پدر در صورت داشتن شرایط لازم برای حضانت انتخاب می شود (Madani Kermani, 2015).

با وضعیت طفل و رفتار شخص مسئول حضانت، تصمیمی اتخاذ کند که بیشترین هماهنگی را با مصلحت کودک داشته باشد؛ از جمله اینکه حضانت را به شخص صالح دیگری واگذار کند یا شخصی را به عنوان ناظر تعیین نماید و حدود نظارت او را مشخص سازد (Mirzaei Saqerloo & Khodabakhshi Koolaee, 2020).

در واقع، قانونگذار در ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده، آزادی اراده اشخاص در تنظیم توافقات مربوط به حضانت و ملاقات را محدود کرده است. این محدودیت در ظاهر ممکن است برخلاف اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ قانون مدنی به نظر برسد؛ زیرا مطابق ماده یادشده، قراردادهای خصوصی تا زمانی که مخالف قانون نباشند، نافذند. با این حال، باید توجه داشت که در امور مربوط به حضانت، موضوع صرفاً توافق میان والدین نیست، بلکه پای حقوق کودک و مصلحت او در میان است. بنابراین، توافق والدین زمانی معتبر و قابل اجرا خواهد بود که با مصلحت طفل تعارض نداشته باشد.

از سوی دیگر، هرچند اصل بر آن است که اشخاص به تعهدات ناشی از توافقات خود پایبند باشند، اما ممکن است والدین یا اشخاص مسئول، از انجام تعهدات خود امتناع کنند، یا طفل و قائم مقام او امکان طرح دعوا و دفاع از حقوق وی را نداشته باشند. در چنین شرایطی، کودک ممکن است از حمایت اجتماعی و قضایی محروم بماند. به همین دلیل، قانونگذار به دادگاه اجازه داده است حتی برخلاف توافق طرفین، در صورتی که توافق را مخالف مصلحت طفل تشخیص دهد یا شخص متعهد از انجام وظایف خود امتناع کند، در وضعیت حضانت یا ملاقات مداخله نماید و برای حمایت از کودک، شخص ناظر تعیین کند.

البته تعیین ناظر در ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده، به معنای ابطال کامل توافقات طرفین بر اساس قسمت پایانی ماده ۱۰ قانون مدنی نیست، بلکه به معنای افزودن نظارت قضایی بر اجرای آن توافقات

کند. همچنین، بازداشت موضوع این ماده، از حیث آثار و ماهیت، با مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی تفاوت دارد و موجب ایجاد سابقه کیفری برای شخص بازداشت‌شده نخواهد شد. هدف این بازداشت، تنبیه کیفری به معنای خاص نیست، بلکه وادار ساختن شخص به اجرای حکم دادگاه و حمایت از مصلحت طفل است.

به بیان دیگر، بازداشت مقرر در ماده ۴۰، هرچند به توقیف شخص منتهی می‌شود، اما ماهیت آن مجازات کیفری نیست. چنانچه دادگاه احراز کند که شخص توقیف‌شده از رفتار خود پشیمان شده و قصد دارد حکم حضانت را اجرا کند یا دیگر مانع اجرای آن نشود، می‌تواند از دستور پیشین خود عدول کرده و از ادامه بازداشت جلوگیری نماید. همچنین، عبارت «هر کس» در این ماده، مفهومی عام دارد و همه اشخاص، از جمله پدر، مادر یا هر شخص دیگری را که مانع اجرای حکم حضانت شود یا از استرداد طفل خودداری کند، در بر می‌گیرد (Qorbanvand, 2014).

#### گفتار پنجم: ضمانت اجرای توافقات خلاف مصلحت طفل

یکی دیگر از ضمانت‌اجراهای مهم در حوزه حضانت، مربوط به توافقاتی است که برخلاف مصلحت طفل منعقد می‌شود. مطابق ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده، هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات مربوط به ملاقات، حضانت، نگهداری یا سایر امور مرتبط با طفل، برخلاف مصلحت اوست، می‌تواند تصمیم مقتضی اتخاذ کند. همچنین، اگر مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، دادگاه اختیار دارد با رعایت مصلحت طفل، اقداماتی مانند واگذاری حضانت به شخص دیگر یا تعیین ناظر بر نحوه نگهداری و تربیت طفل را مقرر نماید.

بر این اساس، ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده، همانند ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، عدم انجام تکالیف مربوط به حضانت را بدون ضمانت اجرا رها نکرده است. در این ماده، دادگاه می‌تواند متناسب

است. به بیان دیگر، دادگاه توافق والدین را به طور کامل کنار نمی گذارد، بلکه با ضم ناظر، اجرای آن را در مسیر مصلحت طفل کنترل و هدایت می کند (Qorbanvand, 2014).

حضانت کودک صرفاً حق پدر و مادر نیست، بلکه تکلیفی قانونی و اخلاقی است که آثار و مسئولیت های ویژه ای به همراه دارد. هرچند این تکالیف دارای بار حقوقی اند، اما به دلیل ملاحظات تاریخی، اخلاقی و اجتماعی، قانونگذار همواره در مداخله مستقیم در روابط والدین و فرزند با احتیاط عمل کرده است. برخی نویسندگان نیز بر این باورند که همین ملاحظات مانع از آن شده است که ضمانت اجراهای گسترده و شدید برای حمایت از طفل در برابر والدین پیش بینی شود (Katouzian, 2017). با این حال، اگرچه محبت طبیعی پدر و مادر بهترین ضمانت اجرای تکالیف اخلاقی آنان به شمار می رود، اما هرگاه والدین این تکالیف اخلاقی و قانونی را نادیده بگیرند، از مسئولیت حقوقی و کیفری مصون نخواهند بود (Sedighian, 2016).

در برخی موارد، ممکن است پدر یا مادر، یا هر دو، برای رهایی از بار مسئولیت نگهداری و تربیت کودک، اقدام به رها کردن او در مکان هایی کنند که امکان یافتن وی دشوار باشد یا سلامت جسمی و روحی او در معرض خطر قرار گیرد. چنین رفتاری می تواند آثار زیان بار جدی، از جمله آسیب های جسمی، روانی و حتی مرگ کودک را به دنبال داشته باشد. در این موارد، رفتار والدین یا سرپرست، علاوه بر آنکه از نظر اخلاقی قابل نکوهش است، می تواند موجب مسئولیت حقوقی و کیفری آنان نیز شود (Sedighian, 2016).

**گفتار ششم: ضمانت اجرای ورود ضرر و خسارت به دیگران**

**ناشی از اهمال در نگهداری طفل**

سلب حضانت در صورت عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی دارنده حضانت، مذکور در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، و نیز شمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بر دارنده حضانت، با استفاده

از عمومیت عبارت «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد»، به خوبی بیان می کند که امکان تعقیب قضایی والدین در قبال سستی در انجام وظایف یا ایراد ضرر و زیان وجود دارد (Sedighian, 2016).

در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است: کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا حسب قرارداد بر عهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد (Javadi & Fathi, 2015).

**مبحث چهارم: ضمانت اجرای کیفری عدم پذیرش حضانت**

مسئولیت کیفری نوعی الزام فرد به پاسخگویی نسبت به آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. از دیدگاه کیفری، تخطی از قوانین و مقررات جزایی تنها و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نمی شود، بلکه دارای شرایطی است که در صورت اجتماع آن شرایط، فرد خاطی مجازات خواهد شد؛ از جمله اینکه فعل با میل و اراده آگاهانه و همراه با سوءنیت مرتکب باشد و در نهایت باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن قابلیت انتساب برقرار شود. وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می شود که مسبب حادثه ای بوده باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد (Sedighian, 2016).

ضمانت اجرای کیفری تکلیف والدین به حضانت در ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مطرح شده است. مطابق این ماده،

ممانعت از استرداد طفل می‌نماید و در صورت مانع شدن، به حبس تا اجرای حکم محکوم خواهد شد (Yathrebi Qomi, 2008). ضمانت اجرای این ماده واحده به نفع طفل و کسی است که حضانت طفل را بر عهده دارد، زیرا مستنکف از سپردن طفل به دارنده حق حضانت، در صورت استنکاف از حکم الزامی محکمه، به حبس تا اجرای حکم و بدون قید مدت محکوم خواهد شد. این ضمانت اجرا مبتنی بر قواعد فقهی است، همراه با سایر موادی که در قانون تعزیرات برای ممتنع پیش‌بینی نشده است و در عمل برای حل مسئله مؤثر و مفید خواهد بود. دادگاه در وهله اول او را ملزم به عدم ممانعت می‌کند و در صورت عدم تمکین، حبس تا اجرای حکم اعمال خواهد شد (Safaei & Emami, 2009).

#### گفتار چهارم: ضمانت اجرای امتناع از اعمال حضانت

به موجب ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی، هر کسی شخصاً یا به دستور دیگری، طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد، در محلی که خالی از سکنه است رها نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی دارای سکنه او را رها کند، تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق، حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم می‌گردد (Madani Kermani, 2015).

ماده ۶ قانون بیماری‌های آمیزشی مصوب ۱۳۲۰ اشعار می‌دارد: اگر ولی یا سرپرست صغیر یا سفیه یا دیوانه در معالجه آنان مسامحه کند، مجرم است. همچنین، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ نیز پدر یا مادری را که مانع از تحصیل فرزند خود، کمتر از ۱۸ سال، تا پایان دوره متوسطه شود یا نام او را برای تحصیل ننویسد، مجرم دانسته است (ماده ۴ قانون) (Rostaei Sadrabadi & Jafari Khosroabadi, 2016).

هرگاه دادگاه تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف خود امتناع نماید، او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار تا پنج هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. در این مبحث، جرم عدم پذیرش حضانت را در چهار گفتار بررسی خواهیم کرد.

#### گفتار اول: ضمانت اجرای تعزیری ناشی از عدم انجام تکالیف حضانت

قانونگذار در ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده عنوان نموده است که اگر مسئول حضانت از انجام تکالیف حضانت خود امتناع نماید یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار، به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. مجازات‌های درجه ۸ عبارت‌اند از: حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال، شلاق تا ده ضربه، و محرومیت از حقوق اجتماعی (Roshan, 2014).

#### گفتار دوم: تشدید مجازات مستنکف از حضانت

مطابق ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده، هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌نفع شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار، به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. دادگاه در صورت ضرورت می‌تواند علاوه بر مجازات مذکور، حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید (Roshan, 2014).

#### گفتار سوم: ماده واحده ۶۵/۴/۲۲

چنانچه به حکم دادگاه یا قائم‌مقام آن، حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد، دادگاه صادرکننده وی را ملزم به عدم

است تأثیرات جانبی ناخوشایندی را بر روابط خانوادگی ایجاد کند. بنابراین، همواره مطلوب است که والدین در تلاش برای حل و فصل مسائل حضانت، از راه‌های صلح‌آمیز و مشورت با متخصصین حقوقی بهره‌مند شوند تا بهترین مصلحت فرزندان مورد توجه قرار گیرد (Zarei et al., 2021).

#### مبحث پنجم: ارکان جرم امتناع از انجام تکالیف مربوط به

##### حضانت

رکن مادی جرم عدم انجام تکالیف مربوط به حضانت، به‌خصوص در قسمت شرایط مقارن با رفتار فیزیکی، ارتباطی بسیار نزدیک با فقه دارد، اما در فقه برای ترک این تکلیف تعزیری پیش‌بینی نشده است.

#### گفتار اول: رکن مادی جرم امتناع از انجام تکالیف مربوط به

##### حضانت

این جرم از جرایم مطلق می‌باشد و تحقق آن نیازمند ایراد ضرر به طفل نمی‌باشد. رکن مادی جرم عدم انجام تکالیف مربوط به حضانت را در قسمت رفتار فیزیکی و شرایط مقرر آن بررسی می‌کنیم (Asadi, 2013).

#### بند اول: تکلیف حضانت برای مرتکب

این جرم توسط حضانت‌کنندگان قابل ارتکاب است. اگر طفل توسط افرادی غیر از والدین نگهداری شود، عنوان حضانت نیز بر عمل او صدق می‌کند، اما تکلیف حضانت مخصوص والدین است و این افراد حضانت‌کننده محسوب نمی‌شوند و شامل این ماده نخواهند شد. این موضوع با مشکلاتی مواجه است، چه بسا افرادی بر حسب قانون یا قرارداد، حضانت کودکانی را بر عهده دارند و اهمیت تکلیف سرپرست را نمی‌توان کمتر از اهمیت تکلیف حضانت دانست. مطابق ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست، وظایف و تکالیف سرپرست از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام مانند حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. در اینجا شایسته بود به جای واژه «مسئول حضانت» از

حضانت به‌عنوان یک حق و تعهد قانونی، حاکمیت دارایی والدین بر فرزندان را تضمین می‌کند. هرگونه خودداری از اجرای این حقوق و تعهدات ممکن است به‌عنوان تخلف کیفری مورد محاکمه قرار گیرد. در مواردی که یکی از والدین یا هر دو والدین از اجرای تعهدات حضانتی خود خودداری کنند، این امر می‌تواند منجر به وضعیتی ناخوشایند برای فرزندان شود. حقوق حضانت به منظور حفاظت از منافع و رفاه فرزندان تعیین شده است و از والدین انتظار می‌رود که این حقوق را با دقت و مسئولیت اجرایی به کار گیرند.

در صورتی که یکی از والدین اقدام به خودداری از حضانت نماید، این اقدام می‌تواند مشکلات قانونی را به دنبال داشته باشد. بر اساس قوانین ایران، خودداری از اجرای حضانت به‌عنوان یک تخلف جدی مورد نظر است و ممکن است با مسائل کیفری روبه‌رو شود. والدین باید آگاه باشند که حقوق حضانت نه تنها حق و تعهد حقوقی است، بلکه یک تعهد اجتماعی و اخلاقی نیز به حساب می‌آید. خودداری از اجرای حقوق حضانت می‌تواند منجر به تحریک دیگر والدین و نیز ایجاد مشکلات روحی و روانی برای فرزندان شود (Ashouri Nalkia Shari, 2020).

در مواجهه با خودداری از اعمال حضانت، اقدامات حقوقی متناسب باید انجام شود. والدین یا نهادهای مربوطه می‌توانند به دادگاه مراجعه کرده و شکایتی در مورد عدم اجرای حقوق حضانت مطرح کنند. دادگاه در این مرحله نقش مهمی در اجرای قوانین دارد و با بررسی مستندات و شواهد ارائه‌شده، تصمیم خود را اعلام خواهد کرد. در موارد خاص، اعمال مجازات‌های کیفری نیز ممکن است لازم شود. قوانین ایران می‌توانند بر اساس تقاضای والدین یا نهادهای حقوقی مرتبط، تصمیم به اعمال مجازات‌هایی نظیر جریمه مالی یا حتی محرومیت از حقوق والدینی بگیرند. این اقدامات باعث اعمال قانون و حفظ حقوق فرزندان می‌شود. لازم به ذکر است که در برخی موارد، اعمال مجازات‌های کیفری ممکن

گفتار دوم: رکن معنوی جرم امتناع از انجام تکالیف مربوط به

### حضانت

رکن معنوی جرم خودداری از انجام تکالیف مربوط به حضانت، شامل سوءنیت عام است. بدین معنا که شخص مکلف، با علم و آگاهی نسبت به تکلیفی که بر عهده او قرار دارد و نیز با اطلاع از تمامی ارکان آن تکلیف، از جمله طفل بودن موضوع حضانت، مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود. بنابراین، قید «خودداری» در این جرم، دلالت بر عمدی بودن رفتار دارد.

در نتیجه، اهمال و مسامحه، هرچند از عوامل سلب حضانت موضوع ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به شمار می‌رود، جرم محسوب نمی‌شود. این جرم از جمله جرایم مطلق است و تحقق آن منوط به حصول نتیجه خاصی نیست. همچنین، تحقق آن نیازمند سوءنیت خاص، یعنی قصد ورود ضرر به طفل، نمی‌باشد (Asadi, 2013).

**مبحث ششم: ضمانت اجرای جلوگیری از اعمال حق حضانت**  
این نوع ضمانت اجرا زمانی مطرح می‌شود که اشخاص یا مؤسساتی، مانع اعمال حق حضانت از سوی دارنده این حق شوند. این ممانعت ممکن است از طریق اقداماتی مانند ربودن طفل از والدین یا شخصی که حق حضانت دارد، یا امتناع از تسلیم طفل به آنان، تحقق یابد.

ضمانت اجرای این رفتار در ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده، هرگاه کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است، در هنگام مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند، امتناع نماید، به مجازات سه تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد (Madani Kermani, 2015).

عبارت «در موقع مطالبه» در ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی، هم شامل پدر و مادر می‌شود و هم شامل مؤسسات دولتی و غیردولتی‌ای است که حضانت طفل طبق قانون به آنان سپرده شده

«نگهدارنده» استفاده می‌شد تا غیر از والدین را هم در بر می‌گرفت (Asadi, 2013).

### بند دوم: در سن حضانت بودن کودک

مطابق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، با وحدت ملاک از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، مرز خروج از دوره طفولیت را نه سال و پانزده سال تمام قمری، به ترتیب برای دختر و پسر، قرار داده است. مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز همین سن را برای مسئولیت کیفری کودکان پیش‌بینی نموده است.

در حال حاضر، رویه قضایی نیز مقررات حضانت را در خصوص کودک غیربالغ جاری می‌داند و بعد از سن بلوغ، به کودک این اختیار را می‌دهد که با هر کدام از والدین که تمایل دارد زندگی کند (Asadi, 2013).

### بند سوم: واگذاری حضانت طفل به مرتکب

محول شدن حضانت می‌تواند به حکم قانون یا به حکم دادگاه باشد که آن نیز برخاسته از قانون است. مادر تا ۷ سالگی برای حضانت دختر و پسر اولویت دارد و بعد از این مدت نیز می‌تواند برای ادامه حضانت با پدر نزاع نماید و محکمه را مکلف سازد تا با رعایت مصلحت طفل، تکلیف حضانت را مشخص نماید. در قانون مدنی پایان مدت حضانت قید نشده است. در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۶۲۶ به تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است که با رسیدن به سن بلوغ، حضانت منتفی است و افراد بالغ با هر یک از والدین که تمایل داشته باشند، می‌توانند زندگی کنند.

### بند چهارم: امتناع از تکالیف حضانتی

تکالیف حضانت شامل نگهداری، تربیت و پرورش طفل است. عام بودن این دو اصطلاح اقتضا می‌کند که برای تشخیص مصادیق آن، به عرف مراجعه شود. قانونگذار برخی از مصادیق تکلیف حاضن را به‌طور خاص جرم‌انگاری کرده است؛ برای مثال، می‌توان به تکلیف فراهم آوردن مقدمات و وسایل تحصیل طفل اشاره کرد.

خود به تربیت اطفال خویش اقدام کنند و نباید آنان را مهمل بگذارند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا تربیت نکردن طفل، تقصیر محسوب می‌شود یا خیر؟ همچنین، چرا قانونگذار به استعدادها و قابلیت‌های کودک توجه نکرده و صرفاً به توانایی والدین اشاره نموده است؟ اگر والدین در شکوفایی استعدادهای فرزند خود کوتاهی کنند، مسئولیت این امر بر عهده چه کسی خواهد بود و چه نهادی باید در این زمینه مداخله نماید؟

در خصوص تربیت اطفال، باید میان دو موضوع تفکیک قائل شد: نخست، امکانات و توانایی والدین و حتی جامعه؛ و دوم، قابلیت‌ها و استعدادهای طفل. بدیهی است که هر تکلیف باید با لحاظ توان و ظرفیت مکلف تعیین شود. با این حال، شایسته بود قانونگذار در کنار توجه به توانایی والدین، به قابلیت‌های طفل نیز عنایت بیشتری می‌داشت (Sedighian, 2016).

#### گفتار سوم: ضمانت اجرای تنبیه شدید و ضرب و جرح خارج از حد متعارف

همان‌گونه که حضانت هم حق و هم تکلیف ابوبین است، آنان در این زمینه دارای مسئولیت و تعهد هستند. در مقابل، کودکان نیز باید از والدین خود اطاعت کنند. ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی نیز به این امر اشاره دارد و مقرر می‌دارد که طفل باید مطیع ابوبین خود بوده و در هر سنی که باشد، به پدر و مادر احترام بگذارد.

والدین موظف‌اند فرزندان خود را به‌گونه‌ای عقلانی و مبتنی بر استدلال تربیت کنند. با این حال، کودکان به سبب نرسیدن به سن بلوغ و کمال، همواره از روی منطق رفتار نمی‌کنند. از این رو، در برخی موارد، تنبیه طفل در حدود عرف و به میزان ضرورت، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این حق در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مورد تصریح قرار گرفته است؛ به موجب این ماده، ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند، لیکن نمی‌توانند به استناد این حق، طفل را خارج از حدود متعارف تنبیه نمایند. بنابراین، تنبیه طفل باید در

است. این اشخاص و مؤسسات از نتایج اجرای ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به شمار می‌آیند؛ ماده‌ای که مقرر می‌دارد هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، دادگاه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل، قیم او یا رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ نماید (Hayati, 2014).

#### گفتار اول: ضمانت اجرای ممانعت از اجرای حکم حضانت

در صورتی که به موجب حکم دادگاه، حضانت طفل به شخصی واگذار شود و پدر، مادر یا شخص ثالثی مانع اجرای حکم گردد و از استرداد طفل امتناع ورزد، دادگاه صادرکننده حکم، وی را به عدم ممانعت از اجرای حکم و استرداد طفل ملزم می‌نماید. در صورت استمرار ممانعت، بازداشت وی تا زمان رفع مانع یا استرداد طفل ادامه می‌یابد و به محض اجرای حکم مربوط به استرداد طفل، بازداشت نیز متوقف می‌شود.

در این زمینه این پرسش مطرح می‌شود که اگر مادر پس از هفت‌سالگی طفل از تحویل فرزند به پدر امتناع نماید، آیا پدر حق شکایت کیفری دارد یا خیر؟ همچنین، آیا می‌تواند بر اساس ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده، تقاضای تعقیب کیفری مادر را مطرح کند یا باید دادخواست الزام به استرداد طفل را به دادگاه تقدیم نماید؟ از ظاهر ماده ۴۰ چنین برمی‌آید که ذی‌نفع در وهله نخست تنها می‌تواند استرداد طفل را از دادگاه بخواهد و در صورتی که مادر به تکلیف مقرر و حکم استرداد تمکین نکند، مطابق ماده مزبور با ضمانت اجرای قانونی مواجه خواهد شد (Madani, 2015).

#### گفتار دوم: مسئولیت والدین در تعلیم و تربیت اطفال از نظر قانون مدنی و ضمانت اجرای آن

والدین علاوه بر نگهداری، مکلف به تربیت کودک نیز هستند. مطابق ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی، ابوبین مکلف‌اند در حدود توانایی

می‌دانند و این طلب را مانند سایر دیون، قابل مطالبه تلقی می‌کنند؛ هرچند مربوط به گذشته باشد، زیرا این مبلغ از اموال مادر بدون جهت مصرف شده و مطابق قانون، وی حق مطالبه آن را خواهد داشت (Katouzian, 2017).

#### بند دوم: ضمانت اجرای کیفری

هرگاه منفق مرتکب ترک اتفاق شود، با ضمانت اجرای کیفری مقرر در قانون مواجه خواهد شد. ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌داشت هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را نپردازد یا از پرداخت نفقه اشخاص واجب‌النفقة امتناع نماید، به حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه محکوم می‌شود (Sedighian, 2016).

#### بند سوم: ضمانت اجرای هزینه حضانت (نفقه) در فقه

مطابق فقه اسلامی، هرگاه مسئول پرداخت هزینه حضانت از انجام این تکلیف امتناع نماید، برای جلوگیری از مهمل ماندن امور طفل، ضمانت اجراهایی پیش‌بینی شده است. برخی فقها به این مسئله اشاره کرده‌اند. علامه حلی بیان می‌دارد که در صورت امتناع منفق از پرداخت نفقه، حاکم می‌تواند او را حبس نماید و اگر منفق مالی داشته باشد، حاکم مجاز است به میزان نفقه از اموال او بردارد، حتی اگر آن اموال غیرمنقول باشد. همچنین، در صورتی که حاکم در دسترس نباشد، برخی فقها این وظیفه را بر عهده عدول مؤمنین و در صورت نبود آنان، بر عهده دیگر مؤمنان دانسته‌اند تا شخص امتنع را به پرداخت نفقه ملزم نمایند (Najafi, 1997).

#### گفتار پنجم: ضمانت اجرای مانع شدن از اعمال حق نگهداری

قانونگذار ایران به منظور حمایت از حقوق ابوی و نیز حمایت از طفل تازه‌متولدشده، در ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر داشته است: هر کس طفلی را که تازه‌متولدشده است، بدزدد یا مخفی نماید یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد کند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه طفل مرده باشد، مرتکب

حد متعارف و به میزان نیاز باشد و نباید با قصد تلافی، انتقام‌جویی و مانند آن همراه گردد (Sedighian, 2016).

#### گفتار چهارم: ضمانت اجرای عدم پرداخت هزینه حضانت (نفقه)

نگهداری و تربیت کودک مستلزم صرف هزینه‌ها و مخارجی است که در اصطلاح حقوقی از آن به هزینه‌های حضانت یا نفقه تعبیر می‌شود. مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، نفقه اولاد بر عهده پدر است و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر پرداخت، این تکلیف بر عهده اجداد پدری، با رعایت قاعده الاقرب فالاقرب، قرار می‌گیرد و در صورت نبودن آنان یا عدم استطاعت ایشان، نفقه بر عهده مادر خواهد بود (Sedighian, 2016).

قانونگذار برای شخصی که ملزم به اتفاق است و از انجام این تکلیف امتناع می‌ورزد، ضمانت اجراهایی در نظر گرفته است که در ادامه بررسی می‌شود:

#### بند اول: ضمانت اجرای مدنی

هرگاه منفق از پرداخت نفقه خودداری نماید، با ضمانت اجراهای مدنی مقرر در قانون مواجه می‌شود. در چنین حالتی، مستحق نفقه می‌تواند حتی برای نفقه آینده خود نیز به دادگاه مراجعه کند تا قاضی نسبت به موضوع تصمیم‌گیری نماید. در این راستا، ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی مقرر داشته است که در صورت غیبت یا استنکاف منفق از پرداخت نفقه، و در صورتی که الزام او ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند از اموال وی به میزان نفقه در اختیار متکفل مخارج قرار دهد. همچنین، اگر مالی در دسترس نباشد، همسر یا شخص دیگری می‌تواند با اجازه دادگاه، نفقه را به‌عنوان قرض پرداخت کند و سپس آن را از شخص مستنکف مطالبه نماید.

در این زمینه این پرسش مطرح است که آیا مادری که برای جلوگیری از گرسنگی، بیماری یا فوت کودک، نفقه گذشته او را از مال خود پرداخته است، می‌تواند آن را مطالبه نماید؟ برخی از استادان، بر اساس رویه موجود، مادر را مستحق آنچه پرداخته است

می‌گیرد و مسئولیت کیفری طفل نسبت به فرد زیان‌دیده منتفی است (Sedighian, 2016).

#### بند دوم: مسئولیت مدنی

برخلاف مسئولیت کیفری، ورود خسارت مادی از سوی کودک به دیگران می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شود. در مسئولیت مدنی نیز، همچون مسئولیت کیفری، اصل بر آن است که هر شخص مسئول اعمال خویش باشد. این مسئولیت غالباً بر دو مبنا استوار است: خطا و تقصیر. در حقوق ایران، مسئولیت مدنی دارای کارکرد اجتماعی است و در واقع ابزاری برای حفظ و استمرار زندگی مشترک در جامعه به شمار می‌رود (Katouzian, 2017).

قانونگذار در مواد ۹۵۱ و ۹۵۳ قانون مدنی، به شرایط جسمی و روحی خطاکار توجه خاصی نشان نداده و تصریح نموده است که صغیر و مجنون نیز می‌توانند مسئول شناخته شوند. همچنین، ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که زیان وارده از سوی مجنون یا صغیر باید جبران شود و این جبران، مطابق فقه، در اصل از اموال خود مجنون یا صغیر صورت می‌گیرد. بنابراین، اگر آنان مالی نداشته باشند، زیان‌دیده باید تا زمان افاقه مجنون یا بلوغ طفل صبر کند و پس از آن، به ایشان رجوع نماید؛ در این فرض، حق رجوع به ولی یا سرپرست قانونی وجود ندارد.

با این حال، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد کسی که نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر اساس قرارداد، بر عهده اوست، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر خواهد بود. بنابراین، در این ماده، مسئولیت نگهدارنده در صورت تقصیر او به رسمیت شناخته شده است و در مواردی که تقصیر نگهدارنده احراز شود، وی مسئول جبران خسارت خواهد بود (Sedighian, 2016).

به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم می‌شود. از وضع این ماده چنین برمی‌آید که قانونگذار در صدد حمایت از حق حاضن و کودک بوده و برای اشخاصی که مانع اعمال این حق می‌شوند، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است (Sedighian, 2016).

#### گفتار ششم: عدم پذیرش حضانت و مسئولیت ناشی از آن در برابر دیگران

مسئولیت دارنده حضانت یکی از آثار مهم حضانت است و این مسئولیت در برابر اشخاص ثالث نیز دارای ضمانت اجرا می‌باشد. یکی از مصادیق نگهداری صحیح طفل، جلوگیری از ورود آسیب به دیگران است. گاه کودکان تحت حضانت، بدون تشخیص و درک کافی، و حتی در برخی موارد با سوءنیت، موجب ایراد خسارات مالی یا جانی به دیگران می‌شوند. بنابراین، در صورت ورود هرگونه زیان به اموال یا اشخاص، مانند اتلاف مال دیگری، اصل بر لزوم جبران خسارت زیان‌دیده است (Qeraati, 2013). در ادامه، نحوه جبران ضرر شخص ثالثی که به واسطه عمل کودک متضرر شده است، بررسی می‌شود:

#### بند اول: مسئولیت کیفری

با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، هیچ‌کس را نمی‌توان به سبب عمل مجرمانه دیگری مجازات نمود. در قوانین موضوعه و رویه قضایی ایران نیز قواعد و احکامی درباره مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگران پیش‌بینی نشده است (Mir Mohammad Sadeghi & Mohammadi, 2013).

فرد تحت حضانت، تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده، در اصطلاح «کودک» محسوب می‌شود. در حقوق جزا، کودک بودن از عوامل رافع مسئولیت کیفری است و اکثر فقها کودک را از حیث کیفری غیرمسئول می‌دانند و جرایم عمدی او را در حکم خطا تلقی می‌کنند. بر این اساس، دیه اعمال کودک بر عهده عاقله او قرار

**گفتار هفتم: دیدگاه قانون مدنی ایران درباره حضانت و ضمانت**

### اجرای آن

قانونگذار ایران در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت را هم حق و هم تکلیف ابویین دانسته است. از جمله نتایج تکلیف بودن حضانت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بی‌اعتباری قرارداد راجع به واگذاری یا اسقاط حضانت و نیز توافق بر پرداخت وجه التزام از سوی پدر و مادر؛
- مسئولیت مکلف در برابر دیگران و مسئولیت او نسبت به اعمال طفل؛

- امکان الزام شخص مکلف در صورت استتکاف از انجام تکلیف. این معنا در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی نیز مورد تصریح قرار گرفته است؛ به موجب این ماده، هیچ‌یک از ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنان است، از نگهداری او امتناع کنند و در صورت امتناع، می‌توان آنان را ملزم نمود (Katouzian, 2017).

البته در تمام این موارد، رعایت مصلحت طفل ضروری است. شناسایی حق حضانت برای پدر و مادر مانع از آن است که دادگاه، جز در موارد مقرر در قانون، آنان را از این حق محروم سازد (ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی). قانون مدنی ایران صراحتاً مقرر می‌دارد که: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است.» از این حکم، دوچهره بودن حضانت، یعنی حق و تکلیف بودن هم‌زمان آن، به‌روشنی استنباط می‌شود.

اگر حضانت را صرفاً حق بدانیم، باید بپذیریم که حق، قابل انتقال و اسقاط است و شخص می‌تواند درباره آن قرارداد خصوصی منعقد کند یا حق خویش را به دیگری واگذار نماید. در مقابل، اگر حضانت را صرفاً تکلیف و حکم قانونگذار تلقی کنیم، اولویت والدین نسبت به دیگران در اعمال این حق نادیده گرفته خواهد شد و این اولویت در زمره قواعد امری قرار خواهد گرفت. از این‌رو، با توجه به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، باید پذیرفت که حضانت

دارای ماهیتی دوگانه است و نتایج تکلیف بودن آن عبارت‌اند از: بی‌اعتباری قرارداد راجع به واگذاری یا اسقاط حضانت، مسئولیت مکلف در برابر دیگران نسبت به اعمال طفل، و امکان الزام وی در صورت استتکاف از انجام تکلیف.

### گفتار هشتم: دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی حضانت و

#### ضمانت اجرای آن

دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مربوط به حضانت و ملاقات اطفال، دادگاه خانواده است. دادگاه در تمامی مواردی که مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌نماید، مکلف است با توجه به وضعیت مالی و اخلاقی زوجین و با لحاظ مصلحت صغار، ترتیب اطمینان‌بخشی را در خصوص نگهداری، حضانت و میزان نفقه اطفال تعیین کند.

مطابق ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی: «هر یک از ابویین که طفل تحت حضانت او نیست، حق ملاقات طفل خود را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط به آن، در صورت اختلاف بین ابویین، با محکمه است.» بر این اساس، هر یک از والدین حق دارند در فواصل معین با فرزند خود ملاقات کنند. چنانچه پدر و مادر درباره مدت، زمان و نحوه ملاقات توافق کرده باشند، مطابق همان توافق عمل خواهد شد؛ اما در صورت عدم توافق، دادگاه ضمن رأی خود، مدت، زمان، مکان و نحوه ملاقات را برای والدینی که عهده‌دار حضانت نیستند، مشخص می‌کند.

در رویه معمول، دادگاه‌ها غالباً یک یا دو روز از پایان هفته را برای ملاقات اختصاص می‌دهند. البته ملاقات بیش از حد متعارف با شخصی که حضانت کودک را بر عهده ندارد، ممکن است موجب اختلال در حضانت و ایجاد دوگانگی در تربیت کودک شود. با این حال، سلب کلی حق ملاقات از پدر یا مادری که حضانت بر عهده او نیست، برخلاف صراحت ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی است و دادگاه نمی‌تواند به‌طور مطلق حکم به سلب این حق بدهد. با وجود این، هرگاه ملاقات با پدر یا مادری که حضانت طفل را بر عهده ندارد

طفل، در خصوص اموری مانند واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید (Anahid & Khaknejad, 2021).

#### نتیجه‌گیری

حضانت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده، نقش اساسی در حمایت از کودک و تأمین سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی او ایفا می‌کند. در نظام حقوقی ایران، حضانت تنها یک امتیاز برای والدین محسوب نمی‌شود، بلکه در عین حال تکلیفی قانونی و اخلاقی است که بر عهده آنان قرار دارد. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نیز با تصریح به اینکه نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است، ماهیت دوگانه حضانت را به‌روشنی بیان کرده است. همین ویژگی دوگانه موجب شده است که قانونگذار در کنار شناسایی حق والدین نسبت به فرزند، سازوکارهایی را برای الزام آنان به انجام تکالیف حضانتی پیش‌بینی کند.

بررسی مقررات حقوقی نشان می‌دهد که قانونگذار ایران در مواد مختلف قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، تلاش کرده است تا با پیش‌بینی ضمانت اجرای گوناگون، از حقوق طفل حمایت کند. از جمله این ضمانت اجراها می‌توان به امکان الزام شخص مکلف به انجام حضانت، واگذاری حضانت به شخص دیگر در صورت عدم صلاحیت دارنده آن، تعیین ناظر بر نحوه نگهداری طفل، سلب حضانت در صورت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی و نیز مسئولیت مدنی ناشی از ورود ضرر به طفل یا اشخاص ثالث اشاره کرد. این تدابیر نشان می‌دهد که هدف اصلی قانونگذار در حوزه حضانت، تأمین مصلحت کودک و جلوگیری از ورود آسیب به او است.

در کنار ضمانت اجرای حقوقی، قانونگذار در برخی موارد ضمانت اجرای کیفری نیز پیش‌بینی کرده است. امتناع از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت، ممانعت از ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق، خودداری از استرداد طفل، رها کردن کودک در مکان‌های

واقعاً برخلاف مصلحت کودک یا برای او زیان‌بار باشد، دادگاه می‌تواند فاصله زمانی ملاقات‌ها را افزایش دهد؛ برای مثال، به جای هفته‌ای یک‌بار، ماهی یک‌بار یا حتی هر شش ماه یک‌بار تعیین کند، یا مقرر نماید که ملاقات با حضور شخص ثالث انجام شود (Anahid & Khaknejad, 2021).

در صورتی که پدر یا مادری که دارای حق حضانت است، از ملاقات طرف دیگر که طبق دستور دادگاه دارای حق ملاقات می‌باشد ممانعت کند، اجرای دستور دادگاه می‌تواند از طریق نیروی انتظامی پیگیری شود. افزون بر این، در موارد لازم می‌توان از ضمانت اجرای ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات استفاده کرد. بر اساس این ماده: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است، در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند، امتناع کند، به مجازات از سه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

نکته قابل توجه آن است که قانونگذار در مقررات مربوط به حمایت خانواده، توجه ویژه‌ای به مصلحت کودک داشته است. بر این اساس، حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده است، اصولاً با مادر آنان خواهد بود؛ مگر آنکه دادگاه، به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را برخلاف مصلحت طفل تشخیص دهد. همچنین، مطابق مقررات قانون حمایت خانواده، هر کس از اجرای حکم دادگاه درباره حضانت طفل استنکاف کند، مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی‌نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین، تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود.

همچنین، هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات مربوط به ملاقات، حضانت و نگهداری طفل برخلاف مصلحت اوست، یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، می‌تواند با رعایت مصلحت

در مجموع، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران با پیش‌بینی مجموعه‌ای از ضمانت اجرای حقوقی و کیفری، تلاش کرده است تا از حقوق و منافع کودک در برابر امتناع یا اهمال والدین در انجام تکالیف حضانتی حمایت کند. با این حال، کارآمدی این ضمانت اجراها تا حد زیادی به نحوه اجرای آن‌ها توسط مراجع قضایی و توجه عملی به اصل «مصلحت طفل» بستگی دارد. از این‌رو، تقویت رویکرد حمایتی در قوانین، ایجاد هماهنگی بیشتر میان مقررات موجود و توجه جدی‌تر به نیازهای واقعی کودکان می‌تواند در ارتقای کارآمدی نظام حقوقی ایران در حوزه حضانت و حمایت از اطفال مؤثر باشد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

Custody represents one of the most pivotal institutions within family law, directly influencing the protection, physical and mental well-being, and moral development of children, as well as ensuring their social and educational growth. Children, by virtue of their natural inability to manage their affairs and continuous need for care and guidance, have historically occupied a central position in legal systems worldwide, and Iranian law is no exception. The Civil Code of Iran explicitly identifies custody as both a right and a duty of parents, emphasizing that parents cannot relinquish their obligations without legitimate justification, thereby embedding custodial responsibilities within both legal and ethical frameworks. By defining custody as a dual-faceted institution encompassing both the right to supervise and the duty to care, Iranian law underscores the necessity of parental

خطرناک، ترک انفاق و ربودن یا مخفی کردن طفل از جمله رفتارهایی هستند که قانونگذار برای آن‌ها مجازات‌هایی مانند حبس یا جزای نقدی در نظر گرفته است. این مقررات نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، حمایت از کودک را امری جدی تلقی کرده و در صورت تخطی از تکالیف حضانتی، علاوه بر ضمانت اجرای مدنی، از ابزارهای کیفری نیز استفاده می‌کند. با وجود این، بررسی مقررات موجود نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در زمینه حضانت با برخی چالش‌ها و ابهام‌ها مواجه است. از جمله این موارد می‌توان به عدم ارائه تعریف صریح و جامع از حضانت در قوانین، ابهام در تعیین دقیق محدوده تکالیف حضانتی، پراکندگی مقررات در قوانین مختلف، و همچنین دشواری تشخیص مصلحت طفل در برخی موارد اشاره کرد. افزون بر این، برخی از ضمانت اجرای قانونی بیشتر جنبه واکنشی دارند و پس از بروز اختلاف یا ورود آسیب اعمال می‌شوند، در حالی که ماهیت حمایتی حضانت اقتضا می‌کند که رویکرد پیشگیرانه نیز در این زمینه تقویت شود.

involvement in all aspects of a child's upbringing, from material care to ethical guidance, while providing a legal basis for judicial intervention when such duties are neglected (Katouzian, 2017 #441906; Safaei, 2009 #441900; Mirzaei Saqerloo, 2020 #441911). This dual nature establishes a framework wherein the rights of the child and the corresponding obligations of the parents are interconnected, ensuring that failure to fulfill custodial duties can result in civil and, in certain instances, criminal liability.

The conceptual foundations of custody in Iranian law derive both from Islamic jurisprudence and civil legal doctrine, situating custody within the broader context of parental authority, legal guardianship, and child welfare. Linguistically, the term "custody" originates from the Arabic root "ḥaḍana," connoting protection, nurturing, and care, reflecting both physical safeguarding

and moral guidance (Ibn Manzur, 1993 #441885; Moein, 2002 #441909). From a jurisprudential perspective, custody encompasses the legal and moral responsibility to safeguard the child's physical health, emotional stability, and ethical development, requiring a combination of supervision, education, and provision of appropriate living conditions (Jafari Langroudi, 2018 #441892; Najafi, 1997 #441913). Distinctions between custody, guardianship, and parental authority (*wilaya*) are critical, as custody specifically pertains to the daily care, moral training, and physical safeguarding of the child, whereas guardianship involves managing the child's legal and financial affairs (Mirzaei Saqerloo, 2020 #441911; Bayat, 2026 #441891). Legal provisions, including articles 1168–1179 of the Civil Code, establish the scope of custody obligations, delineating parental responsibilities while embedding the principle of the child's best interest as the overriding criterion in judicial decisions regarding custodial disputes.

The legal framework for determining custodial responsibilities reflects a carefully structured balance between parental rights and child welfare. According to Iranian Civil Code, the mother generally has priority for custody until the child reaches seven years of age, after which the father typically assumes custodial authority unless the court determines that the best interest of the child favors a different arrangement (Katouzian, 2017 #441906). This prioritization illustrates a legal recognition of the critical emotional and nurturing role of the mother during early childhood, as well as the subsequent involvement of the father in providing guidance and oversight as the child develops. Moreover, in situations where neither parent is capable or suitable to exercise custody due to incapacity, moral failure, or neglect, the court is authorized to appoint an alternative custodian or a supervisor to ensure

the child's welfare is maintained (Ebrahimi, 2021 #441884). Iranian law therefore incorporates both preemptive and corrective mechanisms to safeguard the child, blending parental autonomy with judicial oversight to ensure that custodial arrangements align with the child's physical, emotional, and educational needs.

Civil and criminal enforcement mechanisms complement these normative rules by providing remedies for failure to uphold custodial duties. Civilly, parents who neglect their custodial responsibilities are liable for the material and moral harm suffered by the child, consistent with the principles of civil liability outlined in Iran's Civil Code and the Law of Civil Responsibility (Sedighian, 2016 #441899; Katouzian, 2017 #441906). For instance, if a parent fails to provide adequate care, resulting in injury or deprivation of educational or health resources, legal provisions allow for judicial enforcement of custodial duties, recovery of damages, and in some cases, the assignment of custodial responsibilities to another party. Criminally, Iranian law imposes penalties for behaviors that obstruct custodial obligations or endanger the child, including imprisonment and fines for refusing to comply with court orders regarding custody, preventing access by the entitled parent, or exposing the child to hazardous environments (Roshan, 2014 #441896; Madani Kermani, 2015 #441907). These provisions reflect the recognition that the violation of custodial duties is not merely a civil concern but constitutes a societal interest, warranting punitive intervention to protect the rights and welfare of minors.

Judicial interpretation of custodial laws in Iran emphasizes the principle of the child's best interest as the paramount consideration, guiding decisions related to parental disputes, allocation of custodial rights, and supervision of child-rearing practices. Court authorities are tasked with evaluating parental capability,

moral and physical fitness, and the child's developmental needs when adjudicating custody conflicts (Anahid, 2021 #441890; Qorbanvand, 2014 #441904). The legal doctrine allows for dynamic and situationally appropriate remedies, such as appointing a temporary custodian, specifying visitation schedules, or imposing oversight measures to prevent neglect or abuse. This approach ensures that custody decisions are not solely dictated by parental entitlements but are continuously assessed through the lens of the child's welfare, providing a mechanism to mitigate potential risks associated with parental neglect or conflict.

In addition to the general framework of enforcement, Iranian law specifically addresses scenarios where parents fail to provide the child's basic necessities or education, reflecting an integration of ethical, social, and legal considerations. Provisions in the Civil Code, Law of Civil Responsibility, and relevant Islamic jurisprudential interpretations underscore that parental neglect encompasses both acts of commission and omission, ranging from physical abandonment to failure in moral and educational nurturing (Sedighian, 2016 #441899; Ashouri Nalkia Shari, 2020 #441902). The legal system mandates accountability for both direct and indirect harm to the child, including financial, educational, and emotional consequences. Courts are empowered to impose sanctions, redirect custody, or assign supervisory roles to ensure that the child's best interests are maintained, thereby aligning legal enforcement with both moral imperatives and social objectives. Moreover, this dual-layered system of civil and criminal remedies establishes a comprehensive safeguard against the myriad forms of neglect that may compromise a child's holistic development.

In conclusion, custody within the Iranian legal framework represents a complex interplay of

rights, duties, and protective mechanisms designed to secure the welfare of children while balancing parental authority. Legal provisions clearly establish that custody is both a right and a duty, incorporating civil liabilities and criminal sanctions to deter neglect and ensure the child's safety, development, and moral upbringing. The system emphasizes the principle of the child's best interest as the primary criterion in all custodial decisions, whether regarding parental allocation, enforcement of visitation rights, or intervention in cases of neglect or abuse. Through a combination of prescriptive duties, judicial oversight, and punitive measures, the law provides a robust framework that seeks to harmonize parental responsibilities with the overarching objective of safeguarding the physical, psychological, and social well-being of minors, ensuring that custody is effectively exercised in a manner consistent with ethical, legal, and societal norms.

## References

- Akbari, E., & Akbari, S. S. (2020). A Comparative Study of the Right of Custody in Iranian and French Law. *International Conference on Jurisprudence, Law, Psychology, and Educational Sciences in Iran and the Islamic World*, Karaj.
- Amirkhani, K. (2021). An Examination of Women's Rights in Child Custody after Divorce. *National Conference on the Role of Women in the Contemporary World*, Tehran.
- Anahid, F., & Khaknejad, J. (2021). Child Custody from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Civil Code. *Sixth International Conference on Jurisprudence and Law, Advocacy, and Social Sciences*, Hamedan.
- Asadi, L. S. (2013). *Family Criminal Law* (1st ed.). Mizan Publications.
- Ashouri Nalkia Shari, H. (2020). *An Examination of the Jurisprudential Foundations of Custody in Constitutional Law and Islamic Sources* [Islamic Azad University, Science and Research Branch].
- Bayat, F., & Bayat, S. (2026). *Comprehensive Commentary on the Civil Code* (9th ed.). Arshad Publications.
- Ebrahimi, S., & Jafarpour, S. (2021). A Jurisprudential-Legal Analysis of the Foundations of Article 43 of the 2012 Family

- Protection Law: Mother's Custody. Seventh National Conference on Management Studies in the Humanities, Tehran.
- Emami, S. H. (2006). *Civil Law*. Islamieh Bookstore.
- Hayati, A. A. (2014). *Family Law* (1st ed.). Mizan Publications.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1993). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Dar al-Fikr lil-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi'.
- Jafari Langroudi, M. J. (2018). *Legal Terminology*. Ganj-e Danesh.
- Javadi, M., & Fathi, S. (2015). *Custody and Rights Related to It* (1st ed.). Majd Publications.
- Katouzian, N. (2017). *Civil Law: Forced Guardianship and Civil Liability* (3rd ed.). University of Tehran Publications.
- Maalouf, L. (2005). *Al-Munjid* (4th ed.). Pirasteh Publications.
- Madani Kermani, A. (2015). *Family Claims* (3rd ed.). Majd Publications.
- Mir Mohammad Sadeghi, H., & Mohammadi, M. (2013). An Examination of the Age of Criminal Responsibility of Children in the Legislative Periods of Iran and Islamic Criminal Jurisprudence. National Conference on Iran's Criminal Policy toward Delinquency, Delinquency, and Victimization of Children and Adolescents.
- Mirzaei Saqerloo, P., & Khodabakhshi Koolaei, A. (2020). Challenges of the Right of Child Custody among Mothers Undergoing Divorce: A Phenomenological Study. *Journal of Pediatric Nursing*, 6(3), 1-9.
- Moein, M. (2002). *Persian Dictionary* (8th ed.). Amir Kabir Publications.
- Najafi, M. H. (1997). *Jawahir al-Kalam*. Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Qeraati, M. (2013). *Custody and Maintenance of Children* (1st ed.). Jangal Publications.
- Qorbanvand, M. B. (2014). *Judicial Interpretation and Critique of the Family Protection Law* (1st ed.). Majd Publications.
- Roshan, M. (2014). *Family Law* (1st ed.). Jangal Publications.
- Rostaei Sadrabadi, H., & Jafari Khosroabadi, N. (2016). A Comparative Study of Undertaking Child Custody in Jurisprudence and Civil Law. National Conference on Jurisprudence, Law, and Psychology, Shiraz.
- Safaei, S. H., & Emami, A. (2009). *A Brief Family Law* (3rd ed.). Dadgostar Publications.
- Safdari, A. H., & Tajeddin, A. (2019). A Legal Look at Child Custody. *Journal of Research and Studies in Islamic Sciences*, 1(1), 13-19.
- Sedighian, A. M. (2016). *Custody, Guardianship, and the Responsibilities Arising from Them* (1st ed.). Majd Publications.
- Shayegan, A. (1960). *Civil Law*.
- Yathrebi Qomi, S. A. M. (2008). *Family Law* (1st ed.). SAMT Publications.
- Zarei, F., Karimi, M., & Mohammadi, S. (2021). Child Custody from the Perspective of Jurisprudence and Iranian Law. Seventh National Conference on Management Studies in the Humanities, Tehran.